

گونه‌شناسی کارکردی روایات تفسیری مجمع‌البیان بر اساس نظریه بریمو

نوع مقاله: پژوهشی

۱. مجید معارف، ۲. سیده عاطفه قرشی*، ۳. علیرضا دل افکار، ۴. محمد هادی امین ناجی

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران

۲. دانش آموخته و مربی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور

۴. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

چکیده

گونه‌شناسی، با پیش‌فرض قراردادن معیارهایی خاص، به دنبال انتظام پدیده‌ها در مجموعه‌ای منسجم است. بریمو گونه‌شناسی مبتنی بر روش را که براساس یک روش بنا شده است و در عمل گونه‌شناسی خاصی را ارائه می‌دهد، بر سه مبنای متفاوت بیان کرده است. یکی از مبانی مورد تاکید وی، گونه‌شناسی کارکردگرا است. بدین منظور پژوهش حاضر، با استفاده از گونه‌شناسی مبتنی بر روش آلبر بریمو، در صدد پاسخگویی به این مساله است که کاربرد احادیث تفسیری در تفسیر مجمع‌البیان چیست و پراکندگی آماری آنها در این تفسیر چگونه است؟ روش پژوهش، توصیفی-تبیینی-تحلیلی است و ابزارهای گردآوری اطلاعات، مجلدات تفسیر مجمع‌البیان و تمام منابع مکتوب و الکترونیکی با موضوعات گونه‌شناسی و تحلیل و بررسی روایات تفسیری می‌باشد. در این راستا تمام روایات تفسیری مجمع‌البیان بر پایه گونه‌شناسی کارکردگرا، گونه‌بندی شدند. گونه‌شناسی کارکردگرا که نوع خدمات احادیث در رابطه با قرآن را مشخص می‌کند، شامل کارکردهای شناختی، ادبی-لغوی، تبیینی و تاسیسی-تشریحی می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، ۲۳۸۵ روایت تفسیری، تحت چهار کارکرد فوق، دوازده گونه‌ی اصلی، و سی و چهار ریزگونه‌ی جانمایی شد. روایات با کارکرد تبیینی، با آمار ۶۵ درصد، بیشترین تعداد را دارا بودند؛ کارکرد شناختی، ۲۷ درصد، کارکرد ادبی ۵ درصد و کارکرد تاسیسی-تشریحی، ۳ درصد، بودند. نتایج پژوهش، دلالت بر دسته‌بندی و انتظام روایات در تفسیر مجمع‌البیان دارد و نقش تبیینی روایات تفسیری، در میان سایر کارکردها مشهود تر است که در راستای دیدگاه مفسر مجمع‌البیان بررسی و ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: تفسیر مجمع‌البیان، نظریه آلبر بریمو، گونه‌شناسی کارکردگرا، روایات تفسیری.

١. مقدمه

با توجه به تفاوت‌های زیاد پدیده‌ها، موضوعات و مفاهیم، شناخت دقیق و تمیز آن‌ها از یکدیگر و داشتن معیار و الگویی برای دسته‌بندی انواع، گریز ناپذیر است. یکی از معیارهای اعتبار هر تحقیق را باید ورود به گونه‌های آن دانست. در دو سده‌ی اخیر، در علوم انسانی و اجتماعی از گونه‌شناسی به عنوان یک روش علمی، در دسته‌بندی ضابطه‌مند اشیاء و مفاهیم استفاده می‌شود. گونه‌شناسی به معنای تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌ها با توجه به مشخصات آنها و بر پایه‌ی معیارهایی خاص است (دایره‌المعارف علوم اجتماعی، بخش گونه‌شناسی). بریمو گونه‌شناسی مبتنی بر روش را گونه‌شناسی می‌داند که براساس یک روش بنا شده است. زیرا هر روش در عمل گونه‌شناسی خاصی را ایجاب می‌کند. گونه‌شناسی در مطالعات حدیثی رویکردی علمی به سنخ‌شناسی احادیث است که با ارائه‌ی معیارهایی خاص به دنبال انتظام احادیث در مجموعه‌ای منسجم است (راد، ۱۳۹۳: ۱۱).

با مبنا قرار دادن کتاب موسوعه‌ی احادیث تفسیری[□] که در قرن‌های دهم تا دوازدهم تالیف شده‌اند- می‌توان حجم بسیار گسترده از احادیث را، روایات تفسیری دانست که بخشی قابل توجه از میراث حدیثی مسلمانان را تشکیل می‌دهند. روایات تفسیری علاوه بر حجم گسترده، تأثیر به‌سزایی در فهم و درک آیات قرآن دارند. مطالعه‌ی روایات تفسیری ذیل آیات نشان می‌دهد که این روایات شناخت متفاوتی از آیه به دست می‌دهند و کارکردهای متفاوتی دارند که تحلیل آنها به فهم بهتر آیات قرآن کمک می‌کند. گونه‌شناسی روایات تفسیری به تحلیل بهتر احادیث و شناخت انواع آنها کمک می‌کند. گونه‌شناسی روایات تفسیری، شناخت نظام یافته‌ای از انواع روایات تفسیری است که با مبنا قرار دادن معیارهای خاصی نظیر رابطه، کارکرد، ساختار یا منبع آنها، قابل تفکیک و تقسیم‌بندی می‌باشد. در گونه‌شناسی روایات تفسیری، بر اساس رویکردهایی که دانشمندان نسبت به احادیث تفسیری دارند، گونه‌ها و ریزگونه‌ها معرفی، دسته‌بندی و ارائه می‌شوند. رویکرد دانشمندان به احادیث در سه دسته کلی تعامل و رابطه‌ی حدیث؛ کارکرد و فایده‌ی حدیث؛ و ساختار حدیث قابل ارائه می‌باشند، لذا

□- تفسیر الدر المنثور سیوطی، تفسیر البرهان بحرانی، تفسیر نور الثقلین حویزی

سه نوع گونه‌شناسی کلان در حیطةی حدیث پژوهی، قابل طرح می‌باشد؛ گونه‌شناسی رابطه‌نگر؛ گونه‌شناسی کارکردگرا؛ گونه‌شناسی ساختارگرا. از آنجا که گونه‌شناسی کارکردگرا، مرتبط با متن حدیث و دانش فقه الحدیث می‌باشد، ارتباط نزدیک‌تری با تفسیر قرآن دارد. بنابراین پرداختن به این شاخه از گونه‌شناسی، مناسبت بیشتری با متن تفسیر و محتوای مورد پژوهش دارد و می‌تواند محقق را در آشکار نمودن روش مفسر در قبال استفاده از احادیث، با تکیه بر محتوای احادیث تفسیری، یاری نماید.

از میان تفاسیری که روایات تفسیری فراوانی در آن نقل شده، تفسیر مجمع‌البیان است که در نوع خود، نسبت به زمان تالیفش، در این مقوله بی‌نظیر می‌باشد. در این تفسیر، نوعی نگاه روش‌شناسانه به گونه‌های متنوع روایات تفسیری دیده می‌شود. درباره پدیده‌ی گونه‌شناسی در تفسیر مجمع‌البیان و رویکرد مفسر به این مساله به طور خاص، در این تفسیر، باید اذعان نمود که روایات با دقت خاصی از همدیگر تفکیک شده و متناسب با عنوان بحث، گزارش شده‌اند؛ روایات معنانشناسی در بخش «اللغة و المعنى»، روایات شناخت سوره پیش از ورود به تفسیر سوره، روایات متناسب با قرائت آیه، قبل از اللغه می‌آید... این نظم ساختاری نشان دهنده‌ی این است که مفسر تفسیر مجمع‌البیان در گزینش و گزارش روایات تفسیری، به طبقه‌بندی احادیث و تفکیک آنها بر مبنای نقش و کارکرد احادیث، توجه داشته است.

بر اساس آنچه تا کنون بیان شد، با توجه به اینکه نویسنده‌ی تفسیر مجمع‌البیان از احادیث به میزان فراوان و در حجم نسبتاً وسیعی - نزدیک به چهار هزار حدیث از معصوم - در تفسیر خودش استفاده کرده است؛ همچنین توجه خاص وی به مساله‌ی تفکیک و دسته‌بندی احادیث بر اساس موضوع، نقش و کارکرد احادیث، این تفسیر را به نوعی در شمار تفاسیری قرار می‌دهد که در صدر اولویت پژوهش قرار دارد و نویسنده را بر آن داشت تا در کشف نوع خاص بهره‌گیری مفسر از احادیث، از روش گونه‌شناسی استفاده کند. همچنین با توجه به اینکه چرایی مساله‌ی کاربرد روایات تفسیری، در تفاسیر مطرح است، با مبنا قرار دادن الگوی ارائه شده در نظریه بریمو، به دنبال دست‌یابی به پاسخ این سوال است که:

- احادیث تفسیری، چه خدمتی به قرآن در عرصه‌ی تفسیر می‌نمایند و کاربرد و بهره‌وری آنها در قرآن تحت چه گونه‌هایی دسته‌بندی می‌شوند؟
- پراکندگی آماری گونه‌های روایات تفسیری در تفسیر مجمع البیان، به چه صورت است؟

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه در دو محور قابل طرح می‌باشد:

الف) حوزه‌ی مطالعات گونه‌شناسی احادیث

در دهه اخیر، توجه به مقوله گونه‌شناسی افزایش محسوسی یافته است. با گسترش تدوین و چاپ آثار تفسیر روایی جدید، همچون التفسیر الاثری الجامع از آیت الله معرفت، تحولی نو در نحوه نگرش به روایات تفسیری ایجاد شد. کتاب‌هایی مانند آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان از علی‌اکبر رستمی، رابطه متقابل کتاب و سنت از علی نصیری، پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری معصومان از مهدی رستم‌نژاد و ... را میتوان به عنوان پیش درآمدی بر موضوع گونه‌شناسی در احادیث دانست.

این کتاب‌ها، با بیان جایگاه و نقش روایات در تفسیر معصومان، اعتبار و حجیت روایات تفسیری از دیدگاه شیعه و اهل سنت، ذکر آسیب‌های روایات، روش‌های تفسیری معصومان، کارکرد سنت در برابر قرآن و نیز به طور متقابل، کارکرد قرآن در برابر سنت و ذکر انواع روایات تفسیری به عنوان مقدمه‌ای در شکل‌گیری آثار متاخر گونه‌شناسی تاثیرگذار بوده‌اند. پس از این‌ها، مقالاتی در باب مباحث نظری گونه‌شناسی به ارائه‌ی تعاریف و اصطلاحات مربوط به این علم پرداختند و نمونه‌های اندکی از احادیث را در قالب نظریه‌های خود، مورد بررسی قرار دادند. از جمله این آثار: مقاله «گونه‌شناسی روایات تفسیری» مهدی رستم‌نژاد (۱۳۸۸) است که روایات تفسیری را در هفت بخش، به اعتبارات گوناگونی تقسیم کرده است؛ از جمله: به اعتبار موقعیت ائمه، به اعتبار روش بیانی ائمه؛ که در هر یک از این اعتبارات، روایات تفسیری به گونه‌های متعددی قابل تقسیم است.

مقاله «روایات تفسیری شیعه گونه‌شناسی و حجیت» مهریزی (۱۳۸۹)؛ که پس از بحث درباره‌ی مفهوم و حجیت روایت تفسیری، به گونه‌شناسی روایات بر اساس کارکرد آنها پرداخته شده

است و تنها روایاتی که نقش توضیح و تبیین آیات قرآن را بر عهده داشته‌اند، ذکر شده‌اند و روایات مربوط به قرائات، فضائل و شناخت قرآن، ذکر نشده‌اند.

مقاله «تحلیل گونه‌شناسی روایت تفسیری معصومین(ع)» شبیری (۱۳۹۲)؛ به هدف سازماندهی احادیث و ارائه‌ی مدل گونه‌شناسی، روایات تفسیری را به لحاظ رویکرد آنها، به سه بخش نقلی، تفسیری و تاویلی تقسیم می‌کند. منظور نویسنده‌ی مقاله از «رویکرد»، همان «کارکرد» روایات تفسیری بوده است.

مقاله «گونه‌شناسی احادیث تفسیری از نظریه تا تطبیق» راد (۱۳۹۳)؛ در این مقاله روایات تفسیری، ذیل قرآن‌شناسی، قرآن تبیینی، قرآن مرتبط، معرفی شده است. و مباحث و مبانی نظری علم گونه‌شناسی با رویکرد حدیثی، مطرح شده است. در این مقاله، مباحث نظری به صورت منقح‌تر و بدیع‌تر ارائه شده است و تعاریف از انسجام و دقت منطقی بالایی برخوردار بودند.

مقاله «پژوهشی نو در گونه‌شناسی مدالیل روایات تفسیری و فواید آن» شکرانی و سید ناری (۱۳۹۷)؛ در این مقاله، گونه‌شناسی از نظر دلالت‌های متنی احادیث و نوع معرفتی که روایت از آیه ارائه می‌دهد، مورد بررسی قرار گرفته است و هر یک از این معرفت‌ها، گونه‌ی شناختی نامیده شده است.

همچنین، آثار دیگری در زمینه‌ی بررسی خاص تفاسیر روایی و گونه‌شناسی احادیث، بوجود آمدند که اغلب آنان با ارائه دسته‌بندی‌های مختصر و ناتمام در این مقوله ورود پیدا کردند.

با وجود جستجوی فراوان نویسنده، باید اذعان کرد که نوشته یا اثری که هم به طور مفصل به مباحث نظری این موضوع بپردازد و هم انبوهی از روایات تفسیری را گونه‌بندی کرده باشد، در این زمینه، اندک و بسیار محدود می‌باشند؛ از جمله مقاله «تحلیل نظریه‌ها در کارکرد روایات تفسیری بر محور گونه‌شناسی روایات تفسیر نورالثقلین» محسن قمرزاده (۱۳۹۷)؛ در این مقاله، کارکرد روایات تفسیری از منظر مفسران، در روایات تفسیری نورالثقلین عرضه شده است؛ که البته به نظر می‌رسد میان معنای «کارکرد روایات» با «رویکرد مفسران»، خلط و التباس، صورت گرفته است. چرا که کارکرد، نقش و وظیفه‌ی روایات تفسیری در قبال آیات قرآن و نوع عمل روایات در تفسیر قرآن را شامل می‌شود؛ در حالیکه رویکرد مفسران، در قبال ارتباط بین آیات قرآن و احادیث، به نوع تعریف مفسر از روایات تفسیری باز می‌گردد.

رساله «گونه پژوهی تحلیلی روایات تفسیری ثقه الاسلام کلینی در اصول کافی» از مهدی خوشدونی (۱۳۹۶)؛ بررسی و کوشش نسبتاً مفصل‌تری در زمینه‌ی گونه‌شناسی انجام داده است. محقق روایات تفسیری اصول کافی و نوع استفاده‌ی کلینی از این روایات را مورد بررسی قرار داده است. وی در مدل پیشنهادی خود که البته برگرفته از مدل مقاله راد است، هفت نوع گونه بر اساس کارکرد روایات، ارائه می‌دهد و روایات کافی را در این گونه‌ها دسته‌بندی و تحلیل می‌کند.

ب) حوزه‌ی مطالعات روایات تفسیری مجمع البیان

بخش دوم پیشینه، شامل کارهایی است که در زمینه‌ی روایات تفسیری به صورت مستقیم بر تفسیر مجمع البیان صورت گرفته است؛ از جمله: پایان‌نامه «جایگاه روایت تفسیری در مجمع البیان»، از سرمدی که حجیت روایات تفسیری از لحاظ دلالت بر الفاظ و معانی، در دو جزء از قرآن بررسی شده است. همانگونه که مشخص است بر خلاف عنوان بسیار دلپذیر این نوشتار، تنها بحث مختصری از حجیت و اعتبار روایات در یک جنبه‌ی خاص و تنها در دو جز از تفسیر صورت گرفته است که نشانه کاستی و نقص کار است.

پایان‌نامه «بررسی سندی و دلالتی روایات تفسیری مجمع البیان سوره طه» از سمیه هاشمی که در بخش اصلی این پایان‌نامه، با مراجعه به جوامع روایی شیعه و سنی، روایات تفسیر مجمع البیان ذیل سوره طه، منبع یابی شده و سند آن ذکر گردیده است. سپس از طریق کتب رجال، اعتبار و عدم اعتبار راویان مشخص گردیده است. سپس مضمون روایت با آیات قرآن و روایات دیگر اهل بیت مقایسه شده و به بحث دلالتی پرداخته شده است.

مقاله «اسباب نزول در تفسیر مجمع البیان» از علی فصیحی که نویسنده، نحوه‌ی کاربرد و استفاده‌ی روایات اسباب نزول توسط مفسر را در تفسیر مجمع البیان مورد بررسی قرار داده است. وی در صدد ارائه‌ی گزارش و بررسی نحوه‌ی به کارگیری این دسته از روایات در تفسیر مجمع البیان است.

مقاله «شناخت رویکرد تقریبی طبرسی در مجمع‌البیان با تخریح احادیث تفسیری سوره‌ی یوسف» از دولتی و محمدی که روایات تفسیری سوره‌ی یوسف، تخریح شده است و اسانید آنها در کتب حدیثی فریقین بازیابی شده است. این کار به هدف اعتبار بخشی به روایات تفسیری مجمع‌البیان انجام شده است.

همانطور که در پژوهش‌های مطرح شده ذکر گردید، علیرغم تلاشی که نویسندگان در نوشته‌های فوق، در زمینه‌ی شناسایی روایات تفسیری مجمع‌البیان انجام داده‌اند، همه‌ی پژوهش‌ها به صورت موردی بوده و مجموعه‌ی کامل روایات تفسیری این تفسیر را در بر نگرفته است. همچنین، تاکنون هیچ‌گونه بررسی درباره‌ی گونه‌شناسی و کارکردهای روایات تفسیری مجمع‌البیان مطرح نشده است. لذا در پژوهش حاضر با هدف پرکردن این خلأ پژوهش، نظریه بریمو را محور قرار داده و با تکیه بر این نظریه، به گونه‌شناسی روایات پرداخته می‌شود.

٣. گونه‌شناسی (Typology) مبتنی بر روش: نظریه بریمو

گونه‌شناسی به‌عنوان وسیله‌ای جهت طبقه‌بندی پدیده‌ها و در نهایت کمک به درک و شناخت بهتر این پدیده‌ها، شناخته می‌شود (بریمو (A. Brimo)، ۱۳۵۷: ۳۷). گونه (Type) نوعی طبقه است (Mitchell, 1981, 232) و گونه‌شناسی، تقسیم‌بندی داده‌ها با توجه به مشخصات آنها و بر پایه‌ی معیارهایی خاص است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۲: ۸۹۰). بریمو^۱ در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی سه دسته‌ی اصلی گونه‌شناسی را معرفی می‌کند؛ گونه‌شناسی بر اساس مفهوم «نهاد»؛ گونه‌شناسی بر مبنای مسلک سیاسی؛ و گونه‌شناسی بر اساس روش. وی در طبقه‌بندی پدیده‌ها، معتقد است هر روش در عمل، گونه‌شناسی خاصی را ایجاد می‌کند. بریمو در رابطه با گونه‌شناسی‌هایی که بر اساس یک روش خاص صورت می‌گیرند، سه نوع گونه‌شناسی را از یکدیگر تمیز می‌دهد: گونه‌شناسی رابطه‌نگر، گونه‌شناسی کارکردگرا، گونه‌شناسی ساخت‌گرا. گونه‌شناسی رابطه‌نگر، افراد و روابط آنان با یکدیگر را فارغ از ساخت‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد. گونه‌شناسی کارکردگرا^۲ به کارکرد یا نقش روابط انسانی یا پدیده‌های مورد نظر

^۱A. Brimo

^۲ Functionnalist

توجه می‌کند. در گونه‌شناسی ساخت‌گرا طرفداران مکتب اصالت ساخت، ساخت‌ها را معیار و اساس گونه‌شناسی قرار می‌دهند (بریمو، ۱۳۵۷: ۳۹).

۴. گونه‌شناسی در حیطه حدیث

نوعی رویکرد به سنخ‌شناسی احادیث است که با معیارهایی خاص، احادیث را انتظام می‌بخشد (راد، ۱۳۹۳: ۱۱). گونه‌شناسی در تفسیر روایی، تفکیک روایات تفاسیر نقلی، بر اساس نحوه‌ی ارتباط آنها با قرآن است.

احادیث معصومان (ع) از زوایای گوناگون به آیات نظر کرده و در تفسیر قرآن نقش‌های متفاوتی را بر عهده گرفته‌اند. این نقش‌ها و کاربردها همان گونه‌شناسی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). کارکرد هر یک از روایات نسبت به آیه‌ی مورد نظر گونه‌شناسی نام دارد (مهریزی، ۱۳۸۹: ۹)؛ گونه‌شناسی شناخت شاخصه‌های روش تفسیری معصومان است (مصلاهی‌پور، دیمه‌کار، ۱۳۸۹: ۴۷). لذا گونه‌شناسی در حدیث، بر اساس رویکرد صاحب‌نظران علوم حدیث به احادیث، به گونه‌بندی و تحلیل گونه‌های حدیث می‌پردازد.

پژوهش حاضر با گونه‌شناسی احادیث تفسیر مجمع‌البیان، با تکیه بر نظریه بریمو و تاکید بر گونه‌شناسی کارکردگرا (۳)، ایجاد کارکردهای سه‌گانه شناختی، تبیینی و تاسیسی-تشریحی، به شناسایی گونه‌های کارکردی روایات تفسیری مجمع‌البیان می‌پردازد. گونه‌شناسی کارکردگرا در حیطه‌ی علوم حدیث، به شناسایی نقش و وظیفه‌ی احادیث در رابطه با تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. در گونه‌شناسی کارکردگرا، سه کارکرد و نقش برای روایات، قابل تعریف می‌باشد که عبارتست از: کارکرد شناختی، کارکرد تبیینی و کارکرد تاسیسی-تشریحی.

۴-۱. کارکرد شناختی

جزئیات قصص قرآن، تاریخ نزول، روش‌شناسی تبیین آیات، مبانی فهم دلالت‌های آیات، شناخت تفاسیر نادرست و تصحیح آنها، می‌باشد. در این کارکرد، احادیث با متن آیات، مواجهه مستقیم معناشناسانه ندارند، از این‌رو عمل تبیین متن در آنها رخ نمی‌دهد (راد، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹).

روایات با کارکرد شناختی عبارتند از: گونه‌ی تاریخی؛ گونه‌ی مربوط به مبانی و اصول تفسیر؛ گونه‌ی آسیب‌شناسی.

١-٤-١. گونه‌ی تاریخی

روایات تاریخی سه دسته است: ترتیب نزول، اسباب نزول، حکایت کننده‌ی جزئیات قصص انبیا و اقوام پیشین.

در این گونه روایات، زمان، مکان، مخاطب، بافت و فضای نزول آیات و سوره‌ها، اتصال متن قرآن با گذشته‌ی دور و نزدیک، حال و آینده، شناسایی و معلوم می‌شود (راد، ١٣٩٣: ٩). یکی از فواید روایات تاریخی، تعیین تاریخ نزول آیات و سوره‌هاست؛ زیرا قرآن به تناسب مقتضیات زمان نزول، نازل شده است (نکونام، ١٣٨٠: مقدمه). این گونه، در درک دقیق‌تر آیات زمان‌مند قرآن؛ راهگشا می‌باشد. به‌عنوان نمونه، روایتی که ذیل آیه صد و نود سوره بقره ذکر شده است زمان نزول آیه را صلح حدیبیه می‌داند و در جهت بیان فضای نزول آیه، به ذکر دلیل نازل شدن این آیه می‌پردازد و بخشی از وقایعی مربوط به آن زمان را بازگو می‌کند و دوگانگی ایجاد شده در ذهن مسلمانان را مطرح و موضع اسلام در مسائل حساس را بیان می‌کند. چرا که ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام، جزو سنت‌های قدیمی اعراب بود و سؤال مسلمانان این بود که آیا به این سنت عرفی پایبند بمانند، حتی اگر قریش قصد جنگ و ظلم به آنان را داشته باشد و بخواهد پیمان صلح را نقض کند؟ لذا تفسیر آیه، با وجود روایت سبب نزول، کاملاً متفاوت خواهد بود و چه بسا اگر روایات سبب نزول، در تفسیر آیه‌ی مذکور لحاظ نگردد، تبیین آیه به درستی امکان‌پذیر نباشد.

١-٤-٢. گونه‌ی مربوط به مبانی و اصول تفسیر

احادیثی هستند که در حیطه‌ی شناخت مبانی تفسیری روایت شده‌اند. اصول تبیین آیات قرآن، روش‌های صحیح فهم و معیارهای تشخیص تفسیر صحیح از غیر صحیح از جمله مواردی هستند که در این روایات به چشم می‌خورند. روایتی که ذیل سوره‌ی توحید آمده است، مفسران قرآن را از تفسیر قرآن بدون آگاهی، نهی کرده است از این نوع است.

١-٤-٣. گونه‌ی آسیب‌شناسی:

روایاتی هستند که مناقشات متنی، آسیب‌های فهم آیات، آسیب‌های حدیثی نظیر ورود اسرائیلیات، احادیث جعلی و متعارض را بیان می‌کنند. در ذیل آیه‌ی چهارده سوره‌ی فجر

روایتی ذکر شده است که فردی از مکان‌دار بودن خداوند می‌پرسد. علی(ع) با پاسخی که می‌دهد، راه را در تفسیر آیاتی از قرآن که به گونه‌ای مکانیت خداوند را به ذهن عینیت‌گرای انسان القا می‌کنند، نیز می‌بندد و تفسیر به ظاهر آیه را یک آسیب معرفی می‌کند.

۲-۴. کارکرد ادبی - لغوی

بخشی از روایات تفسیری عمدتاً به طرح مسائل ادبی قرآن از جمله مسائل صرفی، نحوی، لغوی و علوم بلاغی پرداخته‌اند و آیات قرآن را از منظر این علوم تحلیل کرده‌اند در ذیل این کارکرد قرار می‌گیرند. از مجموعه روایاتی که در تفسیر مجمع البیان به این موضوعات پرداخته‌اند و کارکرد ادبی لغوی دارند میتوان به روایات مربوط به ساختار زبان اشاره کرد که شامل روایات ساختار و اعراب کلمات و روایات موید/مرجح قرائات قرآن و روایات بیان‌کننده قرائات تفسیری هستند. همچنین روایات مفهوم‌شناسی که شامل روایات مستند سازی، روایات توسعه معنایی و روایات تبیین واژگانی می‌باشند.

۲-۴-۱. گونه‌ی مربوط به ساختار زبان:

روایات ساختار و اعراب کلمات قرآن؛ روایات موید/مرجح قرائات قرآن و روایات بیان‌کننده قرائات تفسیری در این دسته قرار می‌گیرند. ذیل ﴿إِنَّمَا مَا ذَكَّيْتُمْ﴾ (مائده: ۳/۵) آمده است: حیواناتی که سقوط کنند یا چوب بخورند یا عوارض مرگ‌آور دیگری بر آنها عارض شود، هرگاه پیش از جان دادن، به آنها برسند و تذکیه کنند، حلال خواهند بود، و «ما» مستثنی و منصوب است. حضرت علی(ع) می‌فرماید، استثناء از تحریم است نه از محرّمات. زیرا میته و خنزیر قابل تذکیه نیستند. بدین ترتیب با توضیح قاعده‌ی نحوی آیه، تفسیر صحیح، توسط معصوم ارائه شده است. در روایات «قرائات»، از علم قرائت قرآنی و توجه به نحوه‌ی قرائت حروف، کلمات و جملات آیات قرآن جهت تبیین مفهوم آیه استفاده می‌شود. ذیل آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی اسرا از امام علی نقل شده که «علمت» به فتحه ت را به ضم خوانده است و دلیل آن را علم موسی میدانند نه علم فرعون. با توجه به معنای آیه، قرائتی را برگزیده شده است که همسو با تفسیر آیه است.

۲-۴-۲. گونه‌ی مفهوم‌شناسی

روایات توضیح دهنده‌ی لغات قرآن را در بر می‌گیرند. لغت‌شناسان، فهم معانی مفردات آیات را از نیازهای اولیه برای طالبان فهم قرآن دانسته‌اند (راغب، ۱۴۱۲: ۵۴). برخی نیز استفاده از معارف و احکام قرآن را مبتنی بر فهم صحیح مفردات آیات دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵).

روایات مفهوم‌شناسی با سه روش متفاوت به شرح و تفهیم معانی کلمات قرآن در راستای تفسیر آن پرداخته‌اند که عبارتند از: **مستند سازی روایات**؛ که توضیح واژه از طریق آیات و روایات دیگر و از طریق ذکر نمونه‌های اهل زبان در اشعار و نوشته‌های ادبی است. در آیه ۲۷ سوره‌ی یوسف، کلمه‌ی «قد» به معنای پاره شدن از طول آمده، و برای تبیین معنا، به حدیثی درباره‌ی نحوه‌ی شمشیر زدن علی (ع) استناد شده است. **توسعه‌ی معنایی**؛ در این روایات، معصومان، معانی ویژه‌ای به کلمات بخشیده‌اند که قبلاً این معانی برای آن کلمات سابقه نداشته است (معارف، ۱۳۸۵: ۱۵۶). واژه‌ی به کار رفته در آیه که معنای شناخته شده‌ای دارد، در معنای جدیدی که البته با معنای اصلی آیه نیز مرتبط است، به کار برده می‌شود؛ مثلاً، در روایت ذیل آیه‌ی ۹ سوره‌ی تحریم از ابی‌عبدالله (ع) روایت شده که قرائت می‌نمود جاهد الکفار بالمنافقین با کفار و می‌فرمود بدرستی که رسول خدا (ص) هرگز با منافقی جنگ نکرد و تألیف قلوب آنها می‌نمود. در این روایت، معنای جهاد، به تألیف قلوب توسعه داده شده. **تبیین واژگانی**؛ شامل موارد بیان مفهوم لغوی، اصطلاحی و بیان وجه تسمیه و تبیین معنای حروف با هدف بیان معنای واژه می‌باشد. ذیل آیه‌ی ۳۲ آل‌عمران، ابتدا معنای لغوی واژه‌ی حضور سپس معنای اصطلاحی با توجه به بافت متن ذکر شده است. در مورد تبیین معنای حروف با هدف بیان معنای واژه، در روایتی از امام باقر (ع) تمام حروف واژه‌ی «الصمد» شرح داده است.

۳-۴. کارکرد تبیینی

روایاتی است که عمل تبیین آیه یا سوره، در آن رخ داده باشد. این دسته روایات عبارتند از: گونه‌های مربوط به ساختار زبان؛ گونه‌های مفهوم‌شناسی، گونه‌های تفسیری، گونه‌های تاویلی؛ و گونه‌های نوگستر

۳-۴-۱. گونه‌ی تفسیری

مدلول ظاهری آیات را تبیین می‌کند و مراد کلام قرآنی را در سطح ظاهری آن بیان می‌کند (راد، ۱۳۹۳: ۲۲). این‌گونه شامل ۱۰ نوع می‌باشد. **روایات مخصص عمومات**؛ آیات عام قرآن را به مواردی، تخصیص می‌زنند. آیه‌ی ۶۵ طلاق، به صورت عام آمده و در نگاه اول هم زنان مطلقه و هم زنان شوهر متوفی را شامل می‌شود که با روایت معصوم، فقط به زنان مطلقه تخصیص خورده است. **روایات مقید اطلاقات**؛ برخی احکام و گزاره‌ها در آیات، مطلق به کار رفته است که توسط احادیث، تقیید شده است. جمله‌ی آیه‌ی ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾، به صورت مطلق نقل شده است، اما در روایت با قید «عارفاً بجمیع ما اوجبه الله» تقیید خورده است. **روایات مبین مجملات**؛ بسیاری از احکام، معارف اخلاقی و اعتقادی در قرآن، به صورت مجمل آمده است که در روایات شرح و تبیین شده است. در ﴿وَكَلا مِنْهَا رَغَدًا﴾ (بقره: ۳۵/۲)، اجمال آیه به وسیله‌ی روایت توضیح داده شده که مراد نهی از قرب و نزدیک شدن به درخت، نهی از خوردن است. **روایات شرح و توضیح عقلی**؛ روایاتی که با دلایل عقلی همچنین به کمک مبانی علوم آن روز توسط معصومین تفسیر شده‌اند. ذیل آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی یس، آمده که امام رضا (ع) در پاسخ به فردی که سؤال کرد آیا روز پیش از شب ایجاد شده یا شب جلوتر از روز بوجود آمده، با کمک علم نجوم و ستاره‌شناسی، به سوال آن فرد درباره‌ی آفرینش شب و روز پاسخ می‌گوید. **روایات شرح و توضیح تمثیلی**؛ برای آسان‌سازی و انتقال سریع مفاهیم آیات به مخاطب، از تمثیل و همانند سازی استفاده شده است. ذیل ﴿وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (اسرا: ۱۵/۱۷) پیامبر (ص) در قالب ضرب‌المثلی می‌فرماید: دست راست تو بدرد دست چپ تو نمی‌نالد! **روایات بیان کننده‌ی سنن الهی**؛ ذیل آیه‌ی ۲۷۵ سوره‌ی بقره روایاتی درباره‌ی ربا ذکر شده است که خداوند هر جمعیتی را که خواست هلاک کند ربا را در میان آنان پدید می‌آورد؛ این روایت یکی از سنت‌های الهی را در قبال نسل بشر بیان می‌کند. **روایات تبشیر و انذار**؛ روایاتی که نتایج خوب یا بد اعمال انسان‌ها را در قالب وعده‌های پیروزی، بهشت، رضوان الهی همچنین، شکست، جهنم، عقوبت و انتقام خداوند، بازگو

می‌کنند. ذیل آیات انفاق درباره‌ی منت گذاشتن اهل انفاق آمده است که خداوند نظر رحمت خود را از آنان برمی‌گرداند و با آنها صحبت نمی‌کند. روایات تبیین فضای معنایی - مفهومی سوره؛ این روایات، معرف احوال و محتوای کلی سوره‌ها می‌باشند. بیشتر آنها احادیث فضائل سوره‌ها هستند. می‌توان به روایت فضیلت قرائت سوره‌ی نوح اشاره کرد که به نوعی، به محتوای کلی سوره‌ی نوح نیز اشاره شده است. روایات بیان مصادیق تفسیری اصطلاحات قرآنی؛ در این روایات، مصادیق ظاهری الفاظ و عبارات قرآنی بیان می‌شود. لفظ و مفهوم آیه، عام بوده و روایت مصادیقی را برای آن بیان می‌کند که این مصادیق می‌تواند خاص یا اخص از عام ظاهر آیه باشد. امام جواد در پاسخ معتصم عباسی که درباره‌ی آیه‌ی «ان المساجد لله» (جن: ۱۸/۷۲) می‌پرسد، مصادیق تفسیری واژه‌ی «مساجد» را در آیه‌ی فوق بیان می‌کند که آن، هفت موضع سجده است. روایات ذکر ناسخ و منسوخ در آیات؛ ناسخ یا منسوخ بودن آیات در جهت تبیین مراد تفسیری آیه بیان شده است. ذیل آیه ۱۰۹ سوره بقره روایتی که بیان‌کننده‌ی نسخ این آیه توسط آیه ۲۹ سوره توبه آمده است.

۳-۴-۲. گونه‌ی تاویلی

به معنای باطنی آیات قرآن، تاویل گفته می‌شود. (معرفت، ۱۴۱۸، ۳: ۶۴). در روایات گونه‌ی تاویلی، اهل بیت، لایه‌های باطنی قرآن تبیین کرده‌اند. روایات تاویلی، در پنج عرصه قابل طرح هستند: بیان مصادیق تاویلی آیات؛ از راه بیان مصادیق باطنی (پنهان آیه)، آیات را تبیین می‌کنند. ذیل آیه ۵۸ بقره از امام باقر روایت شده که «ما باب رحمت و آمرزش شمائیم». تاویل معنای باطنی آیات؛ روایاتی که اهل بیت مدالیل باطنی آیات را تبیین می‌کنند (نصیری، ۱۳۸۶: ۴۹۳). از پیامبر (ص) روایت شده: «ویل» دره‌ای است در جهنم که کافر پس از فرو رفتن در آن چهل پائیز بعمق آن برسد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۲۹۲). روایات تاویل آیات متشابه؛ پیامبر و اهل بیت در تفسیر آیات متشابه قرآن، تاویل صحیح و منطبق با عقل از این آیات ارائه داده‌اند. روایات ذیل اسما و صفات الهی، افعال خداوند، آیات مربوط به پیامبران و ... امام باقر (ع) در

معنای «ن» در سوره‌ی قلم، فرمودند، آن نهری در بهشت بود خدا به او فرمود مداد شو، پس منجمد و سخت شد و آن سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل بوده است، سپس بقلم فرمود بنویس، پس قلم آنچه بود و آنچه خواهد بود تا روز قیامت را نوشت. **روایات تصحیح کننده فهم‌های نادرست از آیات متشابه؛ در آنها، معصوم، نسبت به تفسیرهای ناروا و نادرست هشدار می‌دهد و تفسیر صحیح آیه را بازگو می‌کند** (محمدری شهری، ۱۳۹۰: ۱۱۳). ذیل آیه‌ی ۱۰ بلد روایت شده که به علی(ع) گفته شد که مردمی می‌گویند که مقصود از آن دو در آیه، پستانند، امام فرمود نه آنها راه خیر و شر هستند. این روایت با تصحیح تفسیر آیه در صدد اصلاح اندیشه مخاطب از آیه‌ی قرآن است. **روایات پیشبینی کننده سرنوشت آیندگان؛ از وقوع اتفاقاتی در بین مسلمانان عصر نزول، در آینده نزدیک یا دورتر، خبر می‌دهند یا سرنوشت قومی در آینده پیش‌بینی شده است.** ذیل آیه ۳۹ انفال امام صادق(ع) می‌فرماید که هنوز تاویل این آیه، فرا نرسیده است. هنگامی که قائم ما قیام کند، کسانی که در آن زمان بر روی زمین باشند، تاویل این آیه را خواهند دید و دین محمد(ص)، جهان را فرا خواهد گرفت و مشرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند...

۳-۴-۳. گونه‌ی نوگستر(۲)

روایات تفسیری مصادیق فرانزولی(خارج از زمان نزول - آینده) را تبیین می‌کنند و با تکیه بر فهم مقاصد و مدالیل ظاهری آیات، به تبیین موارد فرانزولی آیات می‌پردازند. این گونه، به سه ریزگونه قابل تقسیم است: **روایات جری و تطبیق؛** پیام قرآن فرازمانی است و با جری معانی باطنی آن، جاودانگی آموزه‌های قرآن عینیت می‌یابد و در هر عصر و زمانه‌ای می‌توان مصادیق مختلفی برای شخصیت‌های قرآنی و پیام آنها ارائه کرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۵۱-۶۶). ذیل آیه ۴۲ آل عمران پیامبر می‌فرماید که خدیجه بر همه زنان امت من برتر است چنان که مریم بر زنان زمان خودش برتر بود. تطبیق آیه بر مقام و منزلت خدیجه، از موارد جری و تطبیق آیه است. **روایات استخراج آموزه‌های عصری از مقاصد قرآنی؛** با توجه به نوع تناسبی که بین مفهوم آیه با یک مسأله‌ی روزآمد دینی- اجتماعی وجود دارد، از مقاصد قرآنی برای پاسخگویی به مسائل جدید استفاده می‌شود. داستانی که ذیل آیات ۲۶-۲۷ آل عمران نقل شده

و پیامبر در حل مشکل یکی از یاران خود که بدهکاری مالی داشت، وی را به خواندن آیاتی از قرآن توصیه می‌کند تا مشکلش برطرف شود، از این دسته روایات محسوب می‌شود. **روایات بیان حکمت و فلسفه آیات**؛ مباحث مربوط به فلسفه و دلیل صدور بایدها و نبایدهای اخلاقی، اعتقادی، شرعی و اجتماعی قرآن بیان شده است. در روایتی از امام صادق، فلسفه و حکمت تحریم ربا بیان شده است.

٤-٤. کارکرد تاسیسی-تشریحی

در این کارکرد، روایات تفسیری با مبنا قرار دادن فلسفه‌ی احکام، مصادیق تازه‌ای به احکام اضافه می‌کنند و یا مصادیق ناکارآمد و متروک احکام را حذف و مصادیقی نو جایگزین می‌کنند. با توجه به کارکردشان، به چهار گونه دسته‌بندی می‌شوند: **روایات مربوط به صدور حکم فقهی و شرح و توضیح آن حکم**؛ روایاتی که بر مبنای آیات قرآن حکم فقهی جدیدی صادر می‌کند یا به شرح و توضیح حکم فقهی موجود می‌پردازد. ذیل آیه ۱۲۵ بقره روایتی از امام صادق در باب مقام ابراهیم و نماز در آن مکان نقل شده است که حکم جدیدی را در مورد فردی که در ایام حج در مقام ابراهیم نماز به جا نیاورده است، بیان می‌کند. **روایات مربوط به نسخ و لغو حکم فقهی**؛ که بر مبنای آیات قرآن، با سنجیدن شرایط موجود، حکم سابق را لغو و آنها را غیر قابل عمل می‌دانند. علی (ع) بر بالین یکی از دوستانش که مریض و دارای هفتصد درهم بود حاضر گردید. او از امام پرسید که آیا وصیت بکنم؟ حضرت فرمود: «نه» زیرا خداوند فرموده است **(ان ترک خیرا)** (بقره: ۱۸۰/۲) و تو مال فراوانی نداری. در این روایت، وصیت در صورت نداشتن مال که جزو مصادیق ناکارآمد و متروک هست توسط امام حذف شده است. **روایات تعیین و تبیین مصادیق نو و جدید در احکام**؛ بیان کننده‌ی مصادیق نو و جدید در احکام می‌باشند. پیامبر فرمود هر کس سفرش برای شکار و در راه گناه نباشد، لازم است که روزه خود را افطار نماید و نمازهایش را شکسته بخواند. در این روایت به مصداقی جدید درباره‌ی عدم روزه گرفتن در سفر اشاره شده است. **روایات حذف کننده و**

جایگزین کننده‌ی مصادیق متروک و ناکارآمد؛ مصادیق متروک و غیرقابل استفاده‌ی قدیمی احکام را حذف می‌کنند. از امام علی (ع) نقل شده است که فردی محتضر از وصیت کردن درباره‌ی اموالش می‌پرسد و حضرت با تکیه بر آیه‌ی وصیت پاسخ می‌دهد که وی، جزو مصادیق عمل به این آیه نمی‌باشد. لذا میتوان از این مورد به عنوان یکی از مصادیق متروک آیه‌ی وصیت نام برد که توسط امام از دایره‌ی حکم آیه حذف شده است.

۵. تجزیه و تحلیل آماری

نزدیک ۳۰۰۰ حدیث صادره از معصوم در این تفسیر به عنوان روایات تفسیری، است که از این تعداد حدیث، ۱۵۴۵ حدیث با کارکرد تبیینی، ۶۴۶ حدیث با کارکرد شناختی، ۱۱۷ حدیث با کارکرد ادبی- لغوی و ۷۷ حدیث با کارکرد تاسیسی- تشریحی، شناسایی شد.

روایات کارکرد شناختی، تعداد ۶۴۶ است که ۶۳۴ حدیث در گونه‌ی تاریخ‌شناسی دسته‌بندی شد و شامل ۴ حدیث ترتیب نزول و ۳۲۲ حدیث اسباب نزول و ۳۰۸ حدیث قصص می‌باشد. در گونه‌ی روش‌شناسی ۴ حدیث، که شامل روایات مربوط به اصول و قواعد فهم، با آمار تنها ۲ روایت و روایات بیان مبانی تفسیری، با تعداد ۲ روایت می‌باشد. در گونه‌ی آسیب‌شناسی، ۸ حدیث وجود داشتند که روایات از بین برنده‌ی آسیب‌های فهم آیات و درک متن، شامل ۵ روایت و روایات شناسایی و تبیین روایات کذب، ۱ روایت و روایات بیان آسیب‌های حدیثی شامل ۲ روایت می‌باشد.

با توجه به بررسی‌های محتوایی حدیث در این حیطه، به نظر می‌رسد فراوان‌تر بودن احادیث در دو بخش اسباب نزول و قصص، حاکی از توجه خاص مفسر به ارائه‌ی محتواهای تاریخی برون قرآنی و متون حدیثی در این حیطه، بوده است و ارائه‌ی اطلاعات در این زمینه، در تفسیر مجمع‌البیان به فراوانی دیده می‌شود. البته اکثر این اطلاعات بدون گزینش و تنقیح مفسر ارائه شده است و به جز در اندکی از موارد، که محتوای مغایر با مذهب شیعه و یا محتوای همسو با اسرائیلیات بوده است، و مفسر درباره‌ی آنها اظهار نظر کرده است، در سایر موارد، سکوت مفسر در مقابل روایات این بخش بسیار آشکار است.

بخش روایات کارکرد ادبی- لغوی، ۱۱۷ حدیث در تفسیر مجمع البیان است. دو گونه که عبارتند از زبان‌شناسی با تعداد ۵۱ حدیث؛ مفهوم‌شناسی، با تعداد ۶۶ حدیث؛ گونه شناسی شدند.

در بررسی و تحلیل روایات با کارکرد ادبی - لغوی، گونه‌ی زبان‌شناسی، ۵۱ روایت می‌باشد که شامل روایات مربوط به ساختار و اعراب کلمات با تعداد ۹ حدیث، و روایات موید یا مرجح قرائات با تعداد ۸ حدیث و روایات بیان‌کننده‌ی قرائات در جهت تفسیر آیه با تعداد ۳۴ حدیث می‌باشد. طبرسی، در مجمع‌البیان تحت عناوین «اعراب» و «قرائت»، این‌گونه روایات را ذکر کرده است.

مباحث مفهوم‌شناسی مربوط به مفردات قرآن تحت عنوان «اللغة»، مطرح شده است. این روایات ۶۶ حدیث بودند با عناوین روایات مستندسازی، شامل ۱۰ حدیث؛ روایات توسعه‌ی معنایی، شامل ۱۱ حدیث؛ روایات تبیین واژگانی، شامل ۴۵ حدیث، گونه‌بندی و نامگذاری شدند. بخش روایات کارکرد تبیینی، ۱۵۴۵ حدیث، در تفسیر مجمع‌البیان وجود دارد. سه گونه که عبارتند از تفسیری، با تعداد ۱۰۵۳ حدیث؛ تاویلی، با تعداد ۲۹۵ حدیث و نوگستر با تعداد ۳۲۳ حدیث؛ گونه‌شناسی شدند.

گونه‌ی تفسیری که تعداد آنها، ۱۰۵۳ حدیث می‌باشد، تحت دوازده ریزگونه عنوان‌بندی شده‌اند. روایات مخصص عمومات قرآن، به تعداد ۳۰ حدیث؛ روایات مقید اطلاقات قرآن، به تعداد ۱۵ حدیث؛ روایات مبین مجملات قرآن، به تعداد ۲۴۹ حدیث؛ روایات توضیح و تبیین سنن الهی، به تعداد ۳۴ حدیث؛ روایات شرح و توضیح آیه با تمثیل، به تعداد ۷۹ حدیث؛ روایات توضیح دهنده‌ی عقلی آیه، به تعداد ۲۶ حدیث؛ روایات شرح و بیان مطالب مرتبط با آیه (بیان علت یا نتیجه)، به تعداد ۹۳ حدیث؛ روایات بیان مصادیق تفسیری اصطلاحات قرآنی، به تعداد ۲۴۱ حدیث؛ روایات بیان مفهوم تفسیری اصطلاحات قرآنی، به تعداد ۱۹۷ حدیث؛ روایات تبیین فضای کلی سوره از نظر محتوا و معنا، به تعداد ۵۶ حدیث؛ روایات بیان ناسخ و منسوخ در آیات، به تعداد ۱۱ حدیث؛ روایات بیان‌کننده‌ی تبشیر و انذار، به تعداد ۲۲ حدیث.

در بررسی و تحلیل روایات تاویلی، ۲۹۵ روایت، گونه‌بندی شدند. روایات بیان مصادیق تاویلی، به تعداد ۱۶۶ حدیث؛ روایات بیان معنای باطنی آیات، به تعداد ۷۴ حدیث؛ روایات پیش‌بینی سرنوشت آیندگان، به تعداد ۳۴ حدیث؛ روایات بیان تاویل آیات متشابه، به تعداد ۱۱ حدیث؛ روایات تصحیح فهم‌های نادرست از آیات متشابه، به تعداد ۱۰ حدیث.

روایات نوگستر، که مصادیق فرانزولی در آنها، توضیح داده می‌شوند، مجموعاً ۳۲۳ روایت، می‌باشند؛ که شامل روایات مربوط به جری و تطبیق، به تعداد ۷۵ حدیث؛ روایات مربوط به استخراج آموزه‌های عصری از مقاصد قرآنی، به تعداد ۲۲۷ حدیث؛ روایات مربوط به بیان حکمت و فلسفه‌ی آیات، به تعداد ۲۱ حدیث، هستند.

چنانکه طبق اعداد و ارقام مشخص است بیشترین کارکرد مربوط به گونه تبیینی می‌باشد. لذا میتوان گفت که بیشترین عملکردی که روایات تفسیری در تفسیر عهده‌دار بوده‌اند، در حوزه‌ی تبیین روایات، یعنی بیان مقاصد محتوایی آیات بوده است.

در بخش روایات تاسیسی-تشریحی، مجموع این روایات شامل ۷۷ روایت می‌باشد که از این تعداد، روایات گونه‌ی صدور و شرح حکم فقهی، شامل ۳۹ روایت، روایات گونه‌ی تعیین و تبیین مصادیق نو و جدید، شامل ۲۶ روایت، روایات گونه‌ی حذف کننده و جایگزین کننده‌ی مصادیق متروک، شامل ۶ روایت، و روایات گونه‌ی نسخ و لغو کننده‌ی حکم فقهی، شامل ۶ روایت می‌باشد.

روایات مربوط به صدور حکم فقهی که در آنها حکم فقهی صادر و شرح داده شده، به تعداد ۳۹ حدیث می‌باشد. روایات تعیین و تبیین مصادیق نو و جدید در احکام که به تعیین و بیان مصادیق عصری حکم در زمان امام معصوم می‌پردازد، ۲۶ روایت می‌باشد. روایات حذف کننده و جایگزین کننده‌ی مصادیق متروک و ناکارآمد، ۶ حدیث می‌باشد. آمار اندک این روایات نشان می‌دهد که مصادیق فقهی احکام تشریحی، عموماً در تمام دوره‌ها و اعصار قابل استفاده و کارآمد بوده‌اند و احکام فقهی، حاوی مصادیق متروک و ناکارآمد نبوده است. روایات نسخ و لغو حکم فقهی، ۶ حدیث می‌باشد. از تعداد کم این گونه‌ی حدیثی مشخص است، مواردی از احکام و تکالیف شرعی، که در دوره‌هایی از حیات معصومان حذف یا لغو شده باشند، بسیار معدود و انگشت شمار بوده‌اند و اکثریت احکام تشریحی، قابل استفاده در تمام دوره‌ها بوده‌اند و چنانکه در گونه‌ی دوم این نوع کارکرد توضیح داده شد، با افزودن مصادیق جدید به احکام، آنها در دوره‌های مختلف قابل عمل و استفاده بوده‌اند.

چنانکه مشخص است، در بین چهار کارکرد شناختی، ادبی- لغوی، تبیینی و تاسیسی-
تشریحی، روایات مربوط به کارکرد چهارم، نسبت به سایر کارکردها، بسیار اندک می‌باشد و
آمار کمتری به خود اختصاص داده است.

۶. نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر با هدف گونه‌شناسی و بررسی نقش روایات تفسیری، با تأکید بر گونه‌شناسی کارکردی، در تفسیر مجمع‌البیان، صورت گرفت. بدین منظور، از طریق گونه‌شناسی مبتنی بر روش، که رویکردی توصیفی-تحلیلی به سنخ‌شناسی احادیث است، روایات، بر پایه‌ی رویکرد کارکردگرایانه، تحت چهار کارکرد شناختی؛ ادبی- لغوی؛ تبیینی؛ تاسیسی-تشریحی، معرفی شدند و برای این چهار کارکرد، تعداد سی و چهار گونه، و ریزگونه، تعریف شد. روایات تفسیری موجود در تفسیر مجمع‌البیان که نزدیک به سه هزار حدیث بود در ذیل این گونه‌ها و ریزگونه‌ها، به صورت موردی و تک‌تک، مورد بررسی و مذاقه قرار گرفتند و گزارشی مبسوط از آمار و نحوه‌ی پراکندگی و کارکرد و عملکرد احادیث ارائه شد.

طبق آمارهای به دست آمده، بیشترین نمونه‌ی گونه‌ها، با کارکرد تبیینی بودند که شامل شصت و پنج درصد از کل مجموع روایات می‌شدند. در سطح بعدی، کارکرد شناختی، با تعداد بیست و هفت درصد؛ سپس کارکرد ادبی- لغوی، با تعداد پنج درصد و کارکرد تاسیسی - تشریحی، با کمترین نمونه، آمار سه درصد را داشتند. بنابراین نقش تبیینی روایات تفسیری، به‌عنوان مهمترین نقش آنها، مطرح است. در میان احادیث با کارکرد تبیینی، گونه‌ی تفسیری، با آمار ۱۰۵۳ حدیث، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داد. سپس گونه‌ی نوگستر، با تعداد ۳۲۳ حدیث، در رده‌ی دوم، و گونه‌ی تاویلی، با تعداد ۲۹۵ حدیث، در رده‌ی سوم قرار دارد.

در حیطه‌ی شناختی نیز، عمده‌ترین نقش روایات، به گونه‌ی تاریخ‌شناسی، با تعداد ۶۴۳ حدیث، اختصاص داشت که برای این گونه، آمار قابل توجهی به شمار می‌آید. چرا که نشان می‌دهد، احادیث تاریخ‌شناسی، که عبارتند از احادیث ترتیب نزول، اسباب نزول و احادیث قصص، نقش گسترده‌ای در بخش تبیینی تفسیر مجمع‌البیان ایفا کرده‌اند.

در احادیث ادبی- لغوی نیز، گونه‌ی زبان‌شناسی، ۵۱ روایت می‌باشد و مباحث مفهوم‌شناسی مربوط به مفردات قرآن ۶۶ حدیث می‌باشد.

همچنین در احادیث تاسیسی/تشریحی که نقش ایجاد و بنای احکام عملی، یا به عبارتی، تولید مصادیق جدید احکام را ایفا می‌کنند، با تعداد ٧٧ حدیث در تفسیر مجمع‌البیان مواجه شدیم که در مقایسه با سایر کارکردها، تعداد بسیار کمتری را شامل می‌شود. شاید در راستای تحلیل قلت این کمیت و مقدار از احادیث با کارکرد تاسیسی - تشریحی بتوان گفت که به این دلیل است که دغدغه‌ی اصلی و مهم مفسر در تفسیر مجمع‌البیان، پرداختن به احکام عملیه‌ی دینی، به طور گسترده و مبسوط، نبوده است. لذا از آوردن احادیث فراوان در این زمینه و اهتمام عمیق به این موضوع، صرف‌نظر کرده است؛ همانطور که خود نیز در ابتدای تفسیرش به هدف از نگارش تفسیر اشاره کرده است و هدف خود را ارائه‌ی تفسیری دانسته که در آن به تبیین و بسط معانی قرآن و کشف رموز و اسرار آن بپردازد.

همچنین در بین احادیث مجمع‌البیان، چهار گروه حدیث، قابل معرفی می‌باشند و یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر تمرکز بر طبقه‌بندی و گونه‌شناسی احادیث تفسیری مجمع‌البیان که شامل ٢٣٨٥ حدیث بوده است، می‌باشد. اما روایاتی که مورد استناد تفسیری خود مفسر قرار گرفته بودند، ٣٦١ حدیث است، همچنین احادیث فضائل آیات و سوره‌ها که حاوی ٢٣١ حدیث است و احادیث قرآن‌شناسی با آمار ١٠ حدیث، بررسی نشده‌اند که به پژوهشگران بعدی پیشنهاد می‌شود هر کدام در پژوهش‌های جداگانه‌ای بررسی نمایند. همچنین توجه جداگانه به هر کدام از کارکرد های معرفی شده در مقاله ی حاضر از جمله کارکرد ادبی- لغوی که حاوی ریز گونه های ساختار و اعراب آیات و روایات قرائات بودند، سزاوار مذاقه و پرداختن بیشتر می باشد و لازم است در پژوهش های بعدی به صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) موسوعه‌ی احادیث تفسیری که شامل تفسیر الدر المنتور سیوطی، تفسیر البرهان بحرانی، تفسیر نور الثقلین حویزی می‌باشد، و در قرن‌های دهم تا دوازدهم تالیف شده‌اند، حاوی بیش از پانزده هزار حدیث است که می‌تواند به عنوان مرجعی برای آشنایی با تمام روایات تفسیری باشد (مه‌ریزی، ۱۳۸۹، ۳).
- (۲) این عنوان از کتاب دکتر نصیری قرض گرفته شده است. رک: نصیری، علی، رابطه‌ی متقابل کتاب و سنت، ص ۵۵۲
- (۳) گونه‌شناسی کارکردگرا در علوم اجتماعی، هنگامی مطرح می‌شود که به کارکرد یا نقش روابط انسانی یا پدیده‌های مورد نظر توجه شود (بریمو، ۱۳۵۷: ۳۷).

منابع:

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت: دار العلم دار الشامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۸ق)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: الجامعه الرضویه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۲ش)، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۶)، دایره المعارف علوم اجتماعی؛ تهران: کیهان.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۰ش)، درآمدی بر تفسیر جامع روایی؛ قم: موسسه علمی و فرهنگی دار الحدیث.
- نصیری، علی، (۱۳۸۶ش)، رابطه‌ی متقابل کتاب و سنت؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- نكونام، جعفر، (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*: تهران: نشر هستی نما.
- قرشی، سیده عاطفه، (۱۳۹۹ش)، «گونه‌شناسی روایات تفسیری مجمع‌البیان با تاکید بر گونه‌شناسی کاربرد»؛ رساله دکتری، رشته الهیات، گرایش قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- بریمو، آلبر، (۱۳۵۷ش)، «گونه‌شناسی در بررسی‌های اجتماعی»؛ *نامه پژوهشکده*، سال دوم، شماره ۱، ۳۷-۴۲.
- راد، علی، (۱۳۹۳ش)، «گونه‌شناسی احادیث تفسیری؛ از نظریه تا تطبیق»؛ *تفسیر اهل‌بیت*، دوره ۲، شماره ۱، ۳۴-۶.
- ساروخانی، باقر و دیگران، (۱۳۹۱ش)، «تاکسونومی عددی و کاربرد آن در تحقیقات اجتماعی»؛ *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۴، شماره ۱، ۱۷۱-۱۹۴.
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۸۱ش)، «نقد آراء در تعاریف و نظریه‌های گونه‌شناسی یاریگری»؛ *نامه انسان‌شناسی*، دوره ۲، شماره ۱، ۱۰۱-۱۲۲.
- مصلائی‌پور یزدی، عباس و دیگران، (۱۳۸۹ش)، «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام رضا»؛ *حدیث پژوهی*، دوره ۳، شماره ۳، ۳۷-۶۶.
- معارف، مجید، (۱۳۸۵ش)، «گونه‌شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان»؛ *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۷۹، ۱۴۹-۱۶۷.
- مهریزی، مهدی، (۱۳۸۹ش)، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»؛ *علوم حدیث*، دوره ۱۵، شماره ۱، ۳-۳۶.

References:

- Mitchell, G. D (Geoffrey Duncan),(1981), "A New Dictionary of Sociology"; London: Routledge& K. Paul.
- Ragheb Esfahani, Mohammad ben Huosein, (1412Ah), Strange words in the Qur'an, Damascus, Beirut: Daarol-elm Daaro-shamia
- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1372Ah), Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosro Publications.
- Mostafavi, Hassan, (1360Ah), researching the words of the Holy Qur'an, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Marfat, Muhammad Hadi, (1418 AH), Al-Tafsir and Al-Mafsirun in Thawba al-Qashib, Mashhad: Al-Jameeh al-Razwiyyah.
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1382Ah), Textbook of Qur'an Interpretation Methods and Tendencies: Oom: World Center of Islamic Sciences.
- Sarukhani, Baqir, (1376Ah), Encyclopaedia of Social Sciences; Tehran: Kayhan.
- Mohammadi Ray Shahri, Mohammad, (1390Ah), an introduction to comprehensive narrative interpretation; Qom: Dar Al Hadith Scientific and Cultural Institute.
- Nasiri, Ali, (1386Ah), the mutual relationship between the book and tradition; Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Nekonom, Jafar, (1380Ah), an introduction to the dating of the Qur'an; Tehran: Hasti Nama publishing house.
- Qorashi, Seyyedeh Atefeh, (2019Ad), "Typology of interpretative narratives of Majmael Bayan with an emphasis on functional typology": Doctoral Theology, Quran and Hadith, Payame Noor University, South Tehran Center.
- Berimo, Alber, (1357Ah), "Typology in social studies"; Research Institute Letter, second year, number 1, 37-42.
- Rad, Ali, (2013Ad), "Typology of interpretative hadiths; From theory to application"; Tafsir Ahl al-Bayt, Volume 2, Number 1, 6-34.
- Sarukhani, Bagher and others, (1391Ah), "Numerical taxonomy and its application in social research"; Historical Sociology, Volume 4, Number 1, 171-194.
- Farhadi, Morteza, (1381Ah), "Criticism of opinions on the definitions and theories of Yaarigi typology"; Anthropology Letters, Volume 2, Number 1, 101-122.
- Moslaipour Yazdi, Abbas and others, (1389Ah), "Typology of Imam Reza's Commentary Narratives"; Hadith Research, period, number 3, 37-66.
- Ma'arif, Majid, (2005Ad), "Typology of explanation of religious words in the traditions of innocents"; Articles and reviews, book 79, 149-167.
- Mehrezi, Mehdi, (1389Ah), "Shia interpretative narratives, typology and authenticity"; Hadith Sciences, Volume 15, Number 1, 3-36.
- Mitchell, G. D (Geoffrey Duncan),(1981Ad), "A New Dictionary of Sociology"; London: Routledge& K. Paul.

التصنيف الوظيفي للروايات التفسيرية لمجمع البيان على أساس نظرية برعمو

نوع المقالة: أصيلة

١. مجيد معارف، ٢. سيده عاطفه قرشي*، ٣. عليرضا دل افكار، ٤. محمد هادي امين ناجي

١. استاذ في قسم علوم القرآن و الحديث، كلية اللاهوت، جامعة طهران

٢. المحاضر في قسم علوم القرآن و الحديث، كلية اللاهوت، جامعة بيام نور

٣. أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث، كلية اللاهوت، جامعة بيام نور

٤. استاذ في قسم علوم القرآن و الحديث، كلية اللاهوت، جامعة بيام نور

الملخص

يسعى علم التصنيف، من خلال الوضع المسبق لمعايير معينة، إلى تنظيم الظواهر في مجموعة متماسكة مترابطة. فيصنف برعمو تصنيفاً ينطلق من المنهجية التي تتبنى القيام على أسلوب محدد، ما يقدم عملياً تصنيفاً مميزاً، وذلك على أساس ثلاثة معايير متباينة. فإحدى هذه المعايير التي يؤكد عليها، هي علم التصنيف الوظيفي. فاستهدفت هذه الدراسة بغية ذلك، أن تقدم إجابة عن هذه الإشكالية: كيف استعملت الأحاديث التفسيرية في مجمع البيان وماهي أبعادها الوظيفية وتواترها الإحصائية في هذا التفسير؟ المنهج الذي سار عليه هذا البحث هو المنهج الوصفي - التوضيحي - التحليلي وأما الآليات والأدوات التي اعتمد عليها حشداً للمعلومات فهي مجلدات تفسير مجمع البيان وجميع المصادر المكتوبة والإلكترونية ما تختص بعلم التصنيف وتحليل ودراسة الروايات التفسيرية. فمن هنا تمّ تصنيف جميع روايات مجمع البيان التفسيرية على أساس علم التصنيف الوظيفي. يشمل التصنيف الوظيفي الذي يحدد نوعية خدمات الأحاديث تجاه القرآن الكريم، الوظائف المعرفية والأدبية المعجمية والتفسيرية والتأسيسية التشريعية. ما توصل إليه البحث من نتائج يبيّن أنّ ٢٣٨٥ رواية تفسيرية وضعت في إطار الوظائف الأربعة المذكورة أعلاه، وهي توزعت بين ١٢ نمطاً أساسياً و ٣٤ نمطاً جزئياً. وكانت الروايات ذات الوظيفة التوضيحية هي التي تحطم الرقم القياسي مقارنة لأخرى الروايات، بنسبة ٦٥ بالمئة؛ وكانت الوظيفة المعرفية ٢٧ بالمئة، والوظيفة الأدبية ٥٪. والمهمة، والوظيفة التشريعية التأسيسية ٣٪. والمهمة. ومن ثمّ تدلّ نتائج البحث أكثر ما تدلّ على تنظيم روايات مجمع البيان وتصنيفها وأنّ هناك يأتي دور الروايات التفسيرية بامتياز ويزر بروزاً قائماً مقارنة لأخرى الوظائف التي درست وقدمت من منظور مفسر مجمع البيان.

الكلمات الرئيسية: مجمع البيان في تفسير القرآن، نظرية ألبرت برعمو، التصنيف الوظيفي، روايات تفسيرية.

Functional typology of interpretive narratives based on Brimo theory

Article Type: Research

1.Majid Maaref, 2.Seyyede Atefeh Ghorashi*, 3.Alireza
Delafkar, 4.Mohammad hadi Amin naji

1. Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Tehran
2. Graduated & Lecturer of the Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Payame Noor University
3. Associate Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Payame Noor University
4. Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Payame Noor University

Abstract

Typology seeks to organize phenomena into a coherent set by presuming specific criteria. Albert Brimo describes method-based typology, which is based on one method and, in practice, offers a specific typology on three different grounds. One of the foundations he emphasizes is functionalist typology. For this purpose, the present study, using typology based on the Brimo method, seeks to answer the question: what is the use of interpretive hadiths in the interpretation of Majma 'al-Bayan, and their statistical distribution in this type of interpretation? The research method is descriptive-explanatory-analytical, and the tools for collecting data are the volumes of Majma 'al-Bayan and all written and electronic sources with typological topics and analysis and study of interpretive narrations. In this regard, all interpretive narratives of Majma 'al-Bayan were classified based on functionalist typology. Functionalist typology, which determines the type of services of hadiths related to the Qur'an, includes cognitive, literary-lexical, explanatory, and constitutive-legislative functions. The present study's findings showed that 2385 interpretive narratives were located under the four functions, twelve main types, and thirty-four sub-types. Narratives with explanatory function, with 65%, had the highest number; the Cognitive function was 27%, the literary function was 5%, and the constitutive-legislative function was 3%. The research results indicate the classification and order of narrations in the interpretation of Majma 'al-Bayan. The explanatory role of interpretive narratives is more evident than other functions, which were examined and presented in line with the view of the interpreter of Majma 'al-Bayan.

*Corresponding Author

atefe.ghorashi@pnu.ac.ir